

در جست‌وجوی رد پای استرنفلد

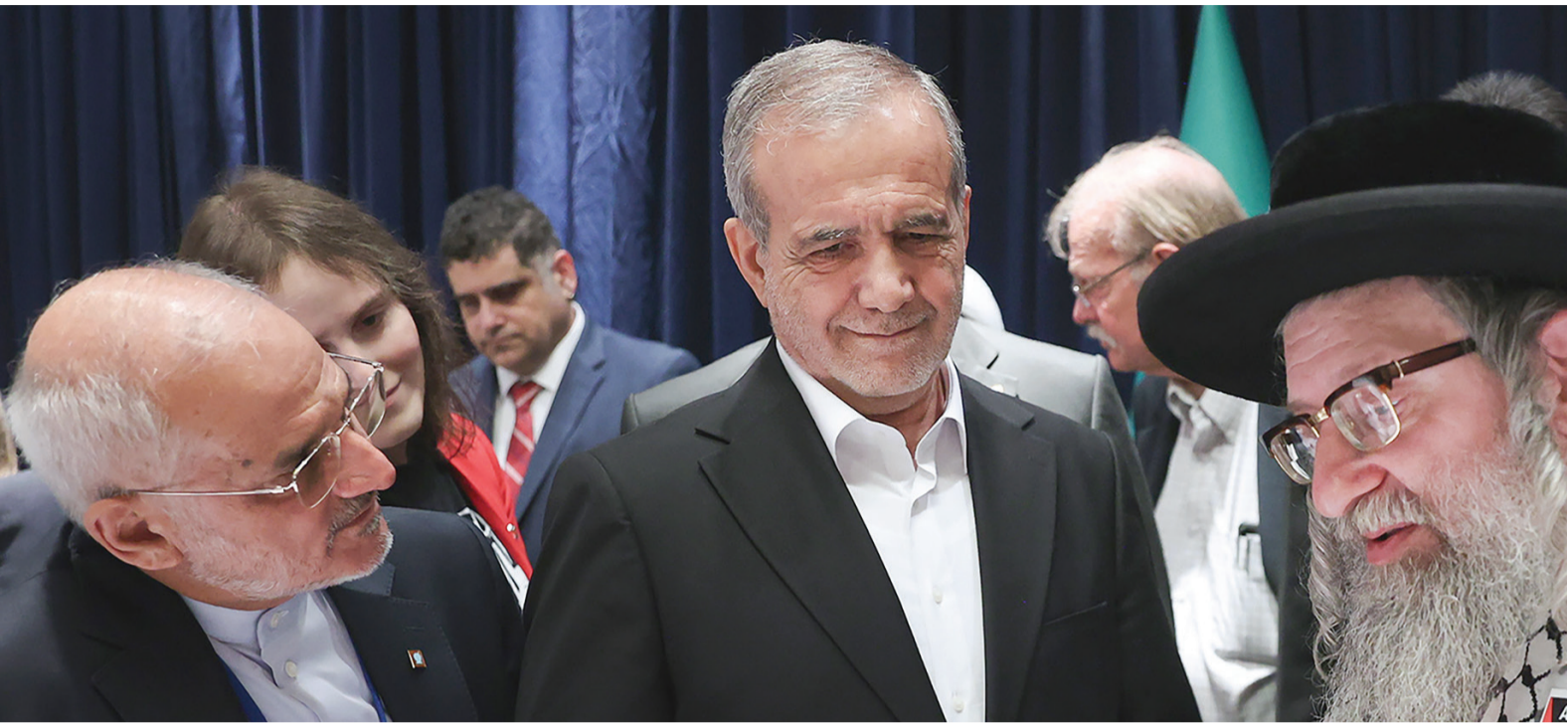


زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

مسعود پزشکیان در دومین روز حضور خود در نیویورک نشست با برخی علمای دینی در آمریکا برگزار کرد. حضور برخی علمای یهودی که با جفیه فلسطینی در این نشست حضور پیدا کرده بودند هم به چشم می‌خورد. رئیس‌جمهور در بخشی از این نشست به جنایتی که علیه فلسطینیان در غزه رخ داده، اشاره کرد و گفت: «امروز دویلیارد مسلمان نظاره‌گر جنایات یک اقلیت کوچک صهیونیست علیه فلسطینیان مظلوم غزه‌اند و کاری هم جز محکومیت این جنایات نمی‌توانند بکنند که آن هم فایده و خاصیتی ندارد، اما اگر مسلمانان برادری خود را در عمل اثبات کرده بودند و امروز با وحدت و انسجام کنار هم بودند، آیا باز هم رژیم صهیونیستی جرأت داشت چنین غلط‌هایی کند؟!» این نشست رئیس‌جمهور با حاشیه همراه بود. در جریان برگزاری این جلسه، حضور فردی مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت؛ یک استاد دانشگاهی در آمریکا که یهودی است و سابقه روشنی در فعالیت علیه رژیم صهیونیستی داشته است. «لور استرنفلد»، تاریخ‌دان و استاد مطالعات یهودیت در دانشگاه پنسیلوانا، فردی بود که تصویر او در این نشست با واکنش‌هایی همراه شده است.

استادی متمرکز بر حقوق یهودیان ایرانی - اسرائیلی

استرنفلد، استاد تاریخ و مطالعات یهودیت دانشگاه پنسیلوانیا است. یکی از موضوعاتی که در حوزه تحقیقاتی او قرار دارد، مطالعه در مورد مهاجران یهودی به اسرائیل و اسامای وضعیت یهودیان در ایران است. استرنفلد، در اولین کتاب خود با نام «بین ایران و صهیون» در مورد یهودیانی نوشته است که به اسرائیل مهاجرت کردند. او همچنان در مطالعات و تحقیقات خود به مسائل ایرانیانی می‌پردازد که به اسرائیل مهاجرت کرده‌اند. برخی مقالات نوشته شده توسط او در سایت ایندپندنت فارسی با سردبیری کاملیا انتخابی فرد منتشر شده است. یکی از این مقالات در مورد جاسوسان اسرائیلی است که در ژانویه ۲۰۲۲ چاپ شد و به گفته او به ایران اطلاعاتی را دادند. او در بخشی از این مقاله در توجیه این اقدام تلاش کرد عامل دریافت اطلاعات از اسرائیلی‌ها را اغفال این زنان بدانند و این طور القا کند که آنها اطلاع نداشتند در حال ارائه اطلاعات به ایرانند. او البته در تحلیل خود به این موضوع اشاره کرد عاملی که آنها با این فرد همراهی کردند، دلتنگی برای وطن‌شان بوده است. کلید واژه‌ای که عموماً سربازان یهودی اسرائیل برای جلب نظر افکار عمومی داخل ایران استفاده می‌کنند. استرنفلد در مقاله دیگری در آوریل ۲۰۲۱ به سخنرانی دو عضو کنست اسرائیل اشاره کرده بود. او در این مقاله به خاطرات تلخی که آنها در مدت زمان زندگی خود در زمان محمدرضا شاه در ایران گذرانده‌اند، انتقاد می‌کند و معتقد است او نباید هویت ایرانی خود را تنها به خاطر اتفاقاتی که برای او افتاده نادیده بگیرد. نکته مهم این است که رژیم صهیونیستی جدای از اقدامات تروریستی که انجام می‌دهد، تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های جدی برای این موضوع دارد تا این طور القا کند که آنچه باعث بروز اختلاف و دشمنی میان رژیم و ایران است، رویکرد نظام حکمرانی ایران است و مردم ایران با رژیم مشکلی ندارند و برای پیشبرد این هدف نیز تلاش می‌کنند به‌تایانی راجرسته کند که در اسرائیل زندگی می‌کنند. به همین منظور عموماً صفحات مجازی و توئیتری با زبان



و تایید می‌کردند و به نظر می‌رسد دقت نظر لازم از جانب تیم رئیس‌جمهور نیز برای کنترل میهمانان دعوت شده به این نشست صورت گرفته است.

حساسیت شرایط منطقه را در نظر بگیرید

در شرایطی که در حال حاضر منطقه در آن قرار دارد، فشاری که رژیم صهیونیستی از هفت اکتبر تا الان تحمل کرده، او را به سمت گسترده‌تر کردن جنگ برای بازماندگان اسرائیلی تصویر کرد در حال پیروزی است، سوق داده است. رژیم صهیونیستی اما در تمام این مدت تمرکز خود را بر تضعیف ایران در منطقه گذاشته است. رژیم صهیونیستی به دنبال تضعیف روابط ایران و محور مقاومت برای کم کردن تبعات شکست خود نیز بوده است. ترور شهید هنیه در تهران یکی از انواع تلاش‌های رژیم برای تضعیف روابط ایران و محور مقاومت است. حالا در روزهایی که رئیس‌جمهور در نیویورک حضور دارد و آنجا که ایران به صراحت در دیدارها و ملاقات‌های دیپلماتیک به محکومیت اقدامات رژیم می‌پردازد، طبیعی است به دنبال درست کردن حاشیه و فضا سازی برای تضعیف ایران و البته مواضع او در حمایت از محور مقاومت باشند. نکته مهمی که به نظر می‌رسد تیم رئیس‌جمهور باید به آن توجه داشته باشد، حساسیت نسبت به ملاقات‌ها، دیدارها و اظهاراتی است که در این سفر مطرح می‌شود. انتشار جمله حاشیه‌ساز رئیس‌جمهور و پس از آن انتشار عکسی از حضور یک استاد اسرائیلی در نشست رئیس‌جمهور، طبیعتاً مورد سوء استفاده رسانه‌های مورد حمایت رژیم در جهت تضعیف روابط ایران و محور مقاومت قرار گرفت؛ امری که نشان می‌دهد لازم است تیم همراه رئیس‌جمهور حساسیت و دقت نظر بیشتری در ملاقات‌ها و جلساتی که در حاشیه نشست مجمع برگزار می‌شوند، داشته باشد.

بخش زیادی از این فضا سازی رسانه‌ای از جانب رسانه‌های فارسی زبان وابسته به رژیم صورت گرفته تا فضای رسانه‌ای را به نفع خود تغییر دهند و روابط میان ایران و جبهه مقاومت را تضعیف کنند.

دفتر نمایندگی

مسئول برنامه‌ریزی نشست‌های رئیس‌جمهور

فراغ از اینکه آنچه رسانه‌های فارسی زبان درباره این دیدار منتشر کرده‌اند تعدد و برای فضا سازی رسانه‌ای بوده اما سوالی که در این رابطه وجود دارد این است که اساساً چرا فردی که سابقه مشکوکی در حمایت از رژیم داشته باید در این نشست رسانه‌ای حضور پیدا کند؟ مسئولیت برگزاری نشست‌های رئیس‌جمهور در جریان حضور در نیویورک برعهده دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل است، ترتیب بندی این برنامه‌ها از جانب این دفتر انجام می‌شود و رئیس‌جمهور نیز در آن شرکت می‌کند. معمولاً در سفرهای رئیس‌جمهور به نیویورک سه دیدار برنامه‌ریزی می‌شود، از جمله دیدار با نمایندگان رسانه‌ها، اساتید دانشگاهی و چهره‌های علمی و رهبران دینی. دفتر نمایندگی ایران عموماً چند نفر را دعوت می‌کند و از این تعداد، برخی نیز حضور پیدا می‌کنند. در این سازوکار نهاد ریاست‌جمهوری به چک و تایید میهمانان دعوت شده در نشست‌های رئیس‌جمهوری می‌پردازند، «بناهایی که در این رابطه ایجاد می‌شود این است که چرا دقت لازم در دعوت نمایندگان از جانب دفتر نمایندگی صورت نگرفته و فردی در این نشست حضور پیدا کرده که حداقل خوراک رسانه‌ای خوبی در اختیار رسانه‌های فارسی زبان قرار داده است. نکته دیگر این است که نهاد ریاست‌جمهوری باید میهمانان دعوت شده در نشست را با دقت چک

فارسی به نام اسرائیل اینگونه فعالیت می‌کنند. به نظر می‌رسد بخشی از آنچه استرنفلد انجام می‌دهد، تمرکز بر این موضوع است تا القا کند که مشکلی میان یهودیان ایرانی - اسرائیلی که در سرزمین‌های اشغالی زندگی می‌کنند با مردم ایران وجود ندارد و آنها علاقه دارند به وطن‌شان بازگردند. البته این موضوع را با شعارهایی تحت عنوان حقوق بشر و وطن دوستی پنهان می‌کند. نکته عجیب ماجرا حضور این فرد در نشست رئیس‌جمهور است. نگاهی به سابقه این فرد و محور اصلی دغدغه او یعنی مهاجران در سرزمین‌های اشغالی این ابهام را تقویت می‌کند که حضور او در این نشست محل تأمل است.

بهره‌برداری رسانه‌های فارسی زبان

از حضور یک استاد اسرائیلی در نشست رئیس‌جمهور

حضور او در این نشست در وهله اول مورد توجه رسانه‌های فارسی زبان قرار گرفت، حضور یک استاد اسرائیلی «در این نشست، کلید واژه‌ای بود که رسانه‌های فارسی زبان در پوشش خبر حضور وی از آن استفاده کردند. امری که نشان می‌داد سیطنت رسانه‌ای آنها بر این موضوع استوار است که گویی این اقدام با هماهنگی صورت گرفته است. برخی از این رسانه‌ها تلاش کرده‌اند این طور القا کنند که گویی رئیس‌جمهور از حضور این استاد اسرائیلی خبر نداشته است، امری که به نظر می‌رسد در ادامه حواشی‌ای که از نشست رئیس‌جمهور با رسانه‌ها منتشر شد به دنبال سیطنت رسانه‌ای اند. استرنفلد، در گفت‌وگویی که با برخی از این رسانه‌ها داشته، مدعی شده دیداری هم با رئیس‌جمهور ایران داشته است و در ادامه اظهارات غلطی در مورد انگیزه‌هایی برای عادی سازی روابط با رژیم مطرح کرده است. موضوعی که نشان می‌دهد

سید جواد میری، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

تفسیر معنوی از هستی، جهان را به انقلاب ایران فراخواند



علی مزروعی خبرنگار گروه نقد روز

در گفت‌وگویی با سید جواد میری، جامعه‌شناس نکاتی کلیدی درباره مفهوم انقلاب و شعارهای انقلاب اسلامی مورد بحث قرار گرفت. شعارهایی که توانست در جهان نسبت به انقلاب ایران جذابیت ایجاد کند. میری با اشاره به اهمیت بررسی عمیق‌تر نظریات مرتبط با انقلاب‌ها، اظهار داشت بسیاری از انتقادهای به انقلاب اسلامی ایران ناشی از عدم درک صحیح مفاهیم آن است. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

عقبه نظری انقلاب

در ابتدای این گفت‌وگو میری توضیح داد که انقلاب تنها به معنای تغییر یک نظام سیاسی نیست. او تأکید کرد: «انقلاب به معنای ظهور یک سوژه خوداگاه و تاریخ‌آگاه است که اراده‌ای برای تغییرات بنیادی دارد.» او اشاره کرد که این تعریف از انسان و انقلاب، از قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی و با انقلاب کبیر فرانسه آغاز می‌شود. در این انقلاب، سه شعار کلیدی شکل گرفت: آزادی، عدالت و برادری. میری افزود که بعد از انقلاب فرانسه، نظام‌های سیاسی در اروپا و آمریکا به این نتیجه رسیدند که برای دستیابی به جامعه‌ای مطلوب، ابتدا باید روی ایده آزادی تمرکز کرد. او در این باره توضیح داد: «اگر در جامعه آزادی وجود داشته باشد، عدالت و برادری نیز به دنبال آن خواهد آمد.» این تغییرات همزمان با تحولات ساختاری در جوامع انسانی و حرکت از جامعه کشاورزی به سمت نظام‌های صنعتی و سرمایه‌داری بود. این جامعه‌شناس در ادامه تصریح کرد که درک عمیق‌تر از مفهوم انقلاب و تأثیر آن بر جامعه می‌تواند به تحلیل‌های بهتری از انقلاب اسلامی و شعارهای آن منجر شود. او برای رهایی از بن‌بست‌های فکری بر لزوم بازنگری در مباحث بنیادین انقلاب‌ها تأکید کرد.

آزادی و مالکیت

میری به بررسی تاریخی و نظری عمیق‌تری از انقلاب‌ها پرداخت و به چالش‌های موجود در مسیر تحقق شعارهای آزادی، عدالت و برادری اشاره کرد. میری بر این باور است که برای تحقق عدالت و وحدت‌نوع انسانی، باید ابتدا به آزادی مالکیت پرداخته شود. او گفت: «اگر ما نتوانیم آزادی مالکیت را تأمین کنیم، عدالت و وحدت‌نوع انسانی به وجود نخواهد آمد.» اما وی اشاره کرد که تاریخ نشان می‌دهد تغییرات سیاسی در اروپا، به ویژه بعد از انقلاب فرانسه، به سمت ظهور استعمار رفته و این تحول به نوعی به جدایی حوزه تمدنی اروپا از سایر مناطق منجر شده است. او با انتقاد از رویکرد اروپاییان به مستعمرات گفت: «انقلابیون در اروپا بر این باور بودند که انسان‌های غیراروپایی فاقد هویتند و نیاز به استعمراری دارند تا به انسان تبدیل شوند.» این دیدگاه، به ویژه در نظام‌های سیاسی مانند آلمان و روسیه، به شکل‌گیری ایده‌های جدید منجر شد که بر پایه تعاون و یاری‌همدیگر بنا شده بود.

نظریه‌های بدیل

میری به نظریات شخصیت‌هایی مانند کربوونکین اشاره کرد که معتقد بود اساس جامعه مطلوب بر پایه تعاون است و نه رقابت. او تصریح کرد: «اگر جامعه‌ای به دنبال عدالت باشد، باید به جای رقابت، بر تعاون و همکاری تأکید کند.» این نگرش در نهایت به شکل‌گیری انقلاب‌های جدیدی از جمله انقلاب روسیه منجر شد که عدالت را به عنوان محور اصلی خود قرار داد. میری در ادامه اشاره کرد در انقلاب روسیه، نظام کمونیستی با این ایده که عدالت باید از طریق حذف مالکیت خصوصی محقق شود، شکل گرفت. اما او به بن‌بست‌هایی که این سیستم پس از ۷۰ تا ۷۵ سال با آن مواجه شد نیز اشاره کرد و نتیجه‌گیری کرد که این ایده‌ها نیز نتوانسته‌اند به طور کامل جوابگوی نیازهای بشری باشند.

توحید و وحدت نوع انسانی

در ادامه میری به بررسی ضرورت‌های بنیادین برای تحقق یک جامعه بدون تبعیض و همچنین چالش‌های موجود در نظام جمهوری اسلامی پرداخت. میری در این باره به مفهوم توحید اشاره کرد و گفت: «برای حرکت به سمت وحدت نوع انسانی، باید باور کنیم انسان‌ها یک ریشه مشترک دارند.» او توضیح داد که اختلافات فرهنگی، تاریخی و اجتماعی، به ویژه نزاع‌های مذهبی و طبقات اجتماعی، مانع از تحقق این وحدت می‌شوند.

برخی از ایده‌های انقلاب

به مرور از محتوای خود فاصله گرفته‌اند

میري همچنین به بررسی شرایط انقلاب اسلامی ایران پرداخت و بر لزوم تحلیل دقیق‌تری از ایده‌ها و شعارهای آن تأکید کرد. او بیان کرد: «بدون فهم درست از این تاریخ و مفهوم انقلاب، نمی‌توان به بررسی و تحلیل درستی از وضعیت کنونی جامعه ایران و جهان پرداخت.» میری در این باره توضیح داد که در انقلاب اسلامی، ایده‌ای توانست جهان را دوباره فراخوانی کند که نگاهی جامع به انسان و جامعه ارائه می‌دهد و بر اساس آن می‌توان به جامعه مطلوب نزدیک شد. او در توصیف این ایده به تفسیر روحانی و معنوی از هستی و انسان اشاره کرد که بر پایه توحید بنا شده است. او همچنین به چالش‌هایی اشاره کرد که نظام جمهوری اسلامی در سال‌های بعد از انقلاب با آنها مواجه شد. میری بیان کرد: «نظام، به دلیل مقتضیات خاص خود، مجبور شد بسیاری از شعارها و ایده‌های اصلی انقلاب را در سقف‌های کوتاه‌تری بررسی کند.» این مسأله باعث شد برخی از ایده‌های انقلابی به عنوان اموری بدیهی قلمداد شوند و از محتوای اصلی خود فاصله بگیرند.

ضرورت تمایز بین انقلاب و نظام

این جامعه‌شناس به اهمیت تمایز قائل شدن بین انقلاب و نظام اشاره کرد و اثرات آن را بر روند ایجاد و نقد اجتماعی توضیح داد. میری در این باره بر لزوم بازنگری در رابطه بین ایده‌های انقلاب و واقعیت‌های کنونی تأکید کرد و

گفت: «باید فضایی وجود داشته باشد که در آن نظام به عنوان یک چهارچوب برای تحقق ایده‌های انقلاب دیده شود، نه به عنوان کل انقلاب. این تمایز می‌تواند زمینه‌ساز یک نگاه انتقادی و به‌روز کردن نظام پراساس تحولات تاریخ بشری باشد. اگر نتوانیم این تمایز را قائل شویم، می‌توانیم ظرفیت‌های واقعی انقلاب را در نظام نشان دهیم و با تحولات جهانی هماهنگ شویم.» میری بیان کرد که اگر انقلاب تنها به عنوان مجسمه‌ای در نظام تلقی شود، امکان نقد درونی آن از بین خواهد رفت. او گفت: «این وضعیت باعث رکود فکری می‌شود، به‌گونه‌ای که باب اجتهاد بسته می‌شود و در نهایت به بن‌بست می‌رسیم.»

چالش‌ها و موانع پیشرفت در تحقق شعارها

میري به موانع موجود در راه تحقق ایده‌های انقلاب اشاره کرد و این موانع را در سطوح مختلف سیاسی و اقتصادی بررسی کرد. او گفت: «بسیاری از تحلیل‌ها به ریشه‌های فکری و بنیادین این موانع نمی‌پردازند، در حالی که نقد بنیادی و رادیکال باید ساماندهی شود.» میری تأکید کرد که نقد رادیکال به معنای تخریب نیست، بلکه به معنای بررسی ریشه‌ها و نقاط ضعف است. او افزود: «اگر نتوانیم این نقد را ساماندهی کنیم، بسیاری از بحث‌ها تکراری و بی‌نتیجه خواهد بود.»

برای ورود به امر سیاسی باید مدیرانه بیندیشیم

در ادامه گفت‌وگو با سید جواد میری، به بررسی ضرورت‌های فکری در عرصه سیاست و چالش‌های موجود در نظام جمهوری اسلامی پرداخته شد. میری تأکید کرد برای فهم بهتر وضعیت کنونی، باید به بنیان‌ها و اندیشه‌های بنیادی رجوع کنیم. او به وضعیت بن‌بست در جامعه اشاره کرد و گفت: «اگر متفکران به این نتیجه برسند که در وضع بن‌بست قرار دارند، این موضوع می‌تواند هم خطرناک و هم رهایی‌بخش باشد. برای خروج از بن‌بست‌ها و تضادهای موجود، باید به ریشه‌ها نگاه کرد و اصلاحات بنیادین را در دستورکار قرار داد.» او گفت: «فهم صحیح از چالش‌ها و موانع می‌تواند به ما کمک کند تا راه‌حل‌های مناسب‌تری پیدا کنیم. باید بررسی کنیم که کجاها اشتباه کرده‌ایم و کدام نکته را نادرسر اندیشیده‌ایم.» میری بر این نکته تأکید کرد برای ورود به امر سیاسی نیاز است که متفکرانه و مدیرانه بیندیشیم. او گفت: «باید بررسی کنیم شعارهایی که در انقلاب مطرح کردیم در چه زمینه‌هایی کاربرد داشته و چه جایگاهی در شرایط کنونی دارد.»

باید از تضادهای مرسوم

مثل نه شرقی و نه غربی فراتر برویم

وی همچنین به شعار «نه شرقی، نه غربی» که در دوران انقلاب اسلامی مطرح شد، اشاره کرد و توضیح داد که در واقعیت، غرب و شرق در یک زمین وسیع‌تر به نام «انسانیت جدید» قرار داشتند. میری به تأثیر عقلائیت تکنولوژیک و نگاه مارکسیستی در چین و شوروی اشاره کرد و گفت: «این

کشورها در تضاد با نظام سرمایه‌داری قرار داشته، اما در واقع تحت تأثیر همان نگاه‌های غربی قرار داشتند.» او خاطرنشان کرد ما باید از این تضادها فراتر برویم و به مفاهیم عمیق‌تری در زمینه انسانیت و تکنولوژی بپردازیم. میری با اشاره به مکتب حسینیه ارتشاد و متفکران دهه ۴۰، تأکید کرد که امروز باید بر اساس آن اندیشه‌ها نوآوری کنیم. او گفت: «مانعی توانیم صرفاً به تکرار اندیشه‌های گذشته بسنده کنیم. نیاز است که این مکتب در دنیای امروز رشد کند و پاسخ‌های جدیدی برای چالش‌های کنونی ارائه دهد.» وی اینگونه انتقاد کرد: «در عرصه فکری نتوانسته‌ایم فراتر از اندیشمندان کلاسیکی مانند داستایوفسکی یا نیچه برویم و در زمینه‌های نوین نظریه‌پردازی نداشته‌ایم. ما باید در برابر عقلائیت ابزاری و چالش‌های جدید، اندیشه‌های تازه‌ای را ساماندهی کنیم. برای بهبود وضعیت کنونی و خروج از بن‌بست‌های فکری، نیازمند اندیشه‌ورزی جدی و عمیقیم.» او گفت: «فقط با تکیه بر نظام سیاسی و امنیتی نمی‌توانیم از چالش‌های جدید عبور کنیم. باید به ریشه‌ها برگردیم و نوآوری‌های فکری را در دستورکار قرار دهیم.» میری به ضرورت تحول در نحوه تفکر و ارتباطات انسانی اشاره و تأکید کرد: «باید از عقلائیت ابزاری فراتر برویم.»

سقف تعقل را خود عقل تعیین کند

نه مسائل سیاسی

میري با اشاره به مفهوم بیست معروف سعدی، گفت: «آدم‌ها اعضای یکدیگرند و باید به هم کمک کنند. اما در جامعه ما، ارتباطات به ابزاری برای کسب درآمد تبدیل شده است.» او تأکید کرد که این وضعیت نشانه‌ای از سیطره عقلائیت ابزاری است که مانع از شکل‌گیری یک ارتباط معنوی و انسانی می‌شود. وی به عقب‌ماندگی در حوزه اندیشه و عدم توانایی در ارائه نظریه‌های نوین اشاره کرد و گفت: «ما نتوانسته‌ایم از اندیشه‌های بزرگانی چون سعدی استفاده کنیم و به یک ساماندهی نقد جهانشمول دست یابیم.» میری در ادامه به ظرفیت‌های موجود در جامعه برای جذب نسل‌های آینده به ایده‌های انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: «باید سقف تعقل در جامعه را بر اساس خود عقل تعیین کنیم، نه بر مبنای ایدئولوژی یا مسائل سیاسی.»

آزادی اندیشه، کلید عبور از چالش‌های کنونی است

او در این باره توضیح داد: «اگر نتوانیم فضایی ایجاد کنیم که در آن تفکر آزاد باشد، بسیاری از مسائل در حوزه‌های مختلفی چون هنر، موسیقی، شعر و ادبیات به شکل جدیدی شکل خواهد گرفت.» میری گفت: «این کار می‌تواند به ما کمک کند به نوعی اندیشه‌ورزی جدید دست یابیم که متناسب با نیازهای روز جامعه باشد.» سید جواد میری در پایان گفت‌وگو بر این نکته تأکید کرد: «ارتقای سطح تعقل و آزادی اندیشه، کلید عبور از چالش‌های کنونی است. اگر نتوانیم دریافتی درست از این موضوع داشته باشیم، بسیاری از مسائل اجتماعی و فرهنگی ما حل خواهد شد.»

